

عادل شمرده شده فقط بوسیله‌ی ایمان

درس ۵: تعریف اصطلاحات مان

دکتر آر. سی. اسپرول

ما به الصاق بیانیه‌ی ۹۵ ماده‌ای لوتر در ۱۵۱۷ و متعاقباً به درک کاتولیک روم از عادل‌شمردگی پرداختیم. لوتر در بیانهاش، کل نظام عادل‌شمردگی را که توسط کلیسای کاتولیک روم پذیرفته شده بود، زیر سؤال برد. در این مقطع، او هنوز اساساً به نظام رومی اعتقاد داشت، اما سؤالاتی ذهن او را درگیر می‌کرد و بین اونها، سؤال "خزانه‌ی شایستگی‌ها" بود. و خزانه‌ی شایستگی‌ها، برای مفهوم کلی بخشش‌نامه‌ها بسیار مهم بود.

ما می‌دونیم چطور در اون زمان به خاطر نحوه‌ی فروش بخشش‌نامه‌ها توسط یوهان تترزل، مباحثه‌ی بخشش‌نامه‌ها آتشی برپا کرد، اما سؤال بزرگتر اینه که کل این مسئله مربوط به بخشش‌نامه‌ها چیه و از کجا اومد؟

دوباره، این به تدریج در تاریخ کلیسای کاتولیک روم توسعه یافت. نهایتاً بر پایه‌ی این ایده بود که مسیح کلیده‌ی ملکوت رو به پطرس داد. پس پاپ به عنوان کسی در نظر گرفته میشد که مقام داشتن این کلیدها رو برعهده داشت، و کلیده‌ی ملکوت شامل اقتدار بر پخش و توزیع بخشش‌نامه‌ها بود. عیسی به شاگردانش گفت: "گناهان آنانی را که آمرزیدید، برای ایشان آمرزیده شد" و الی آخر.

حالا، خزانه‌ی شایستگی در کل ایده‌ی فروش بخشش‌نامه‌ها، در آغاز و مرکز قرار گرفت. و خزانه‌ی شایستگی، خزانه‌ایه که شامل مقدار نامحدودی شایستگی هست که کلیسا قدرت داره اون رو بین کسانی توزیع کنه که شایستگی ندارند. حالا در ابتدا، ودیعه‌ی اصلی برای خزانه‌ی شایستگی، شایستگی مسیح بود، اما فقط شایستگی مسیح در خزانه نبود، چون مفهوم خزانه‌ی شایستگی هنوز در جماعت روم هست. بلکه علاوه بر شایستگی عیسی، شایستگی مریم هم بود و علاوه بر شایستگی‌های مریم، شایستگی‌های مقدسین نیز افزوده شد.

حالا، به لحاظ تاریخی، افراد کمی در دیدگاه روم هستند که میمیرن و مستقیماً به آسمان میرن. اکثر افرادی که می‌میرن، با ناپاکی‌ای که هنوز در روحشان هست می‌میرند، پس باید به برزخ برن تا این ناپاکی‌هاشون تصفیه یا پاک بشه، پیش از اینکه بتونن به آسمان برن. دوباره، برزخ، جهنم نیست؛ اونها به جهنم نمیرن که مجازات بشن. برزخ مکان مجازات نیست، مکان پاکسازی هست و نهایتاً برای همه‌ی کسانی که در برزخ هستند، در واقع، مقصد نهاییشون آسمان خواهد بود، اما فقط بعد از اینکه این فرایند پاکسازی اتفاق افتاد.

حالا، پس مشکل اینه که افرادی که در برزخ هستند، عدالت کافی ندارند که اونها رو مستقیماً به آسمان ببره. حالا همونطور که گفتم، به لحاظ تاریخی، افراد کمی هستند که بدون ناپاکی در جانشون و با شایستگی کافی مُردند که اونها رو مستقیماً به آسمان ببره، اما نه تنها خودشون شایستگی کافی داشتند که اونها رو به آسمان ببره، بلکه نوع سومی از شایستگی رو داشتند که هنوز در مورث صحبت نکردیم.

ما به فرق بین لیاقت عطا شده و لیاقت درخور در رابطه با آیین کلیسایی توبه پرداختیم. اما علاوه بر لیاقت عطا شده و لیاقت درخور، نوع سوم لیاقت هست که لیاقت بیش از حد لزوم نامیده میشه یا چیزی که توسط افرادی بدست میاد که اعمال فراتر از حد لازم انجام می‌دهند، نه آبیاری، بلکه ریزش. "اعمال بیش از حد لازم"، اعمالی هستند که خیلی خوب و خیلی در خور ستایش هستند و فراتر از وظیفه‌اند.

این لیاقتی اضافی یا مازاد هست که افراد کمی به عنوان مثال اعمال بیش از حد لازم رو انجام میدن، اعمال بیشتری که نیاز دارید تا به آسمان برید، این لیاقت‌های مازاد یا شایستگی‌های اضافه، در گنجینه‌ی شایستگی به ودیعه گذاشته میشه، و از این خزانه، کلیسا از طریق پاپ قدرت بکارگیری این شایستگی‌ها رو برای افرادی داره که اون رو ندارند. پس در کل نظام بخشش‌نامه‌ها اتفاقی که می‌افتاد این بود که با دادن صدقه‌ها و خرید بخشش‌نامه‌ها، از این خزانه برداشت می‌کردند و برای کسانی به کار می‌رفت که در برزخ اونها رو نداشتند تا بتونن به آسمان برن.

حالا، این مرور پایه‌ای، درک کاتولیک روم درباره‌ی عادل‌شمردگی رو جمع بندی می‌کنه. وقتی به تضادهای دیگه بین دیدگاه پروتستان می‌پردازیم، بیشتر درباره‌ی این صحبت خواهیم کرد. اما برخلاف این، البته فریاد لوتر "سولا فیده" بود، عادل‌شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمانه. حالا، ما می‌خوایم زمان کمی رو به رسیدگی به تعلیم پولس درباره‌ی این در رومیان اختصاص بدیم، اما فقط برای معرفی دیدگاه پروتستان درباره‌ی عادل‌شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان، می‌خوام زمانی رو به تعریف این اصطلاحات اختصاص بدم.

اول از همه، کلمه‌ی "عادل‌شمردگی" هست. کلمه‌ی انگلیسی "عادل‌شمردگی" از کلمه‌ی لاتین "یوستیفیکاره" میاد که به طور تحت اللفظی یعنی "عادل ساختن" یا "نیکو ساختن". حالا، یکی از مشکلاتی که این مباحثه رو به لحاظ تاریخی ایجاد می‌کنه، در قرون اولیه بود، پدران لاتین آموزه‌شون رو از زبان یونانی نمی‌خوندند و توسعه نمی‌دادن، بلکه از والگیت، از ترجمه‌ی لاتین کتاب مقدس استفاده می‌کردند.

و وقتی ترجمه‌ی لاتین کتاب مقدس درباره‌ی عادل‌شمردگی صحبت می‌کنه، از کلمه‌ی لاتین "یوستیفیکاره" استفاده می‌کنه که برگرفته از ساختار قانونی نظام قانون رومه. و دوباره، "عادل ساختن" یعنی اینجا یک شخص ناعادل هست، و کلمه‌ی "عادل شمردن" یعنی شما اونها رو عادل می‌سازید یا این که اونها حقیقتاً خودشون عادل میشن. پس نظام عادل‌شمردگی که توسعه یافت، نظام درک نحوه‌ی عادل یا نیکو شدن شخص ناعادل بود.

حالا وقتی درباره‌ی این فرایند صحبت می‌کنیم که چطور حقیقتاً عادل بشیم، درباره‌ی عادل‌شمردگی صحبت نمی‌کنیم، بلکه درباره‌ی تقدیس شدن صحبت می‌کنیم، پس ما معتقدیم که اول، عادل‌شمردگی هست و بعد چیزی که بعد از عادل‌شمردگی میاد که تقدیس شدن.

یا در دیدگاه روم باستان، به خاطر کاربرد اصطلاح "یوستیفیکاره"، در واقع، تقدیس شدن قبل از عادل‌شمردگی میومد، چون خدا تا زمانی که واقعاً عادل نمی‌شدید، شما رو عادل اعلام نمی‌کرد. اما کلمه‌ی یونانی "دکایوسونه"

به معنای عادل کردن نیست، به معنای عادل "شمردن" یا "محسوب کردن" یا به عنوان عادل برخورد کرده. پس مرکز دیدگاه نهضت اصلاحات اینه که در حالی که هنوز ناعادلیم، عادل اعلام می‌شیم، بوسیله‌ی عدالت مسیح که خدا از طریق انتساب در ما به کار برده که بعداً در موردش توضیح خواهیم داد.

پس وقتی خدا به ما نگاه می‌کنه، می‌بینه که هنوز گناهکاریم، اما به هر حال وقتی ایمان داریم، ما رو عادل می‌شمه، به حساب میاره یا اعلام می‌کنه. حالا شعار لوتر برای توضیح این موضوع، شعاری هست که شاید قبلاً شنیدید، عبارت لاتین "سیمول یوستوس ات پکاتور" و اینطور سعی کرد این وضعیت رو تعریف کنه که توسط اون وقتی در خودمون عادل نیستیم، با این وجود در نظر خدا عادل در نظر گرفته شده یا محسوب می‌شیم.

عبارت "سیمول یوستوس ات پکاتور" به این معناست: "سیمول"، کلمه‌ی "سیمولتینیوس" در انگلیسی رو از اون می‌گیریم، پس "سیمول" یعنی "هم‌زمان". "سیمول یوستوس"، "هم‌زمان عادل" یا نیکو. "ات"، این یعنی چی؟ این فعل گذشته‌ی "خوردن" در انگلیسی هست، درسته؟ ات، یعنی "و". یادتونه جولوس سزار وقتی شمشیر رو در بدنش فرو کردند، کلام نهایی او "ات تو بروتی" بود؟ یعنی "و تو هم، بروتوس؟" پس "ات" یعنی "و". پس "سیمول یوستوس ات"، هم‌زمان عادل و "پکاتور" یعنی "گناهکار".

ما دربارهی گناهان کوچک به عنوان لغزش‌ها صحبت می‌کنیم. اگه بگیم یک نفر پا که، می‌گیم او بی لغزشه، پس این برگرفته از کلمه‌ی لاتین برای گناهه. پس لوتر میگه: "هم‌زمان، ما عادل و گناهکاریم." حالا این در ابتدا تناقض به نظر میرسه. و قانون عدم تناقض چیه؟ یک چیز نمی‌تونه هم‌زمان و از یک لحاظ یا در یک رابطه، "الف" و "غیر الف" باشه.

حالا لوتر اینجا میگه: "ما هم‌زمان الف و غیر الف هستیم، عادل و گناهکار، اما در یک رابطه نیست." ما در خودمون گناهکار می‌مونیم، اما با عمل انتقال عدالت مسیح به خودمون، عادلیم، با عمل انتساب عدالت او. حالا در آغاز درسومون دربارهی دیدگاه روم دربارهی عادل‌شمردگی صحبت کردیم که با تعمیم و القای فیض شروع میشه.

پس شخصی که عادل شمرده شده، بر اساس روم، بر اساس عدالت القا شده، عادل شمرده شده، بعد ایماندار این رو به ارث می‌بره. دیدگاه پروتستان اینه که ما نه با القای عدالت، بلکه با انتساب عدالت، عادل شمرده شدیم.

حالا همونطور که قبلاً گفتیم، شما می‌دونید که در زمان نهضت اصلاحات، تلاش‌های زیادی بود که بر این جدایی مصیبت بار عظیم در مسیحیت غلبه کنند، و مورد نهایی در "رگنزیبرگ" به شفای این نقض و رفع نفاق و برطرف کردن مشکل الهیاتی نزدیک شد، اما نقطه‌ی درگیری که هرگز نتونست در اون زمان یا اکنون برطرف بشه، موضوع انتسابه.

روم همیشه این ایده رو که ما بر اساس انتساب عدالت، عادل شمرده شدیم، رد کرده، عدالتی که از آن ما نیست، عدالتی که لوتر "ایلیینوم یوستیتام" نامید، عدالت بیگانه، عدالتی که "اکسترا نوس" هست، خارج یا جدا از ماست،

عدالتی که برای ما محسوب شد، اما از آن ما نیست. اگر زمان اجازه بده، بعداً این رو کمی بیشتر توضیح می‌دیم، من فقط سعی می‌کنم تعریف اولیه‌ی عادل‌شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان رو به شما بدم.

کلمه‌ی دوم، کلمه‌ی "بوسیله" هست. این یک اصطلاح ساده‌ی کوچکه و قبلاً گفتم مربوط به مفعول با واسطه غیرشخصیه، یعنی اگر از روم بپرسید: "به چه طریقی عادل شدیم؟" اونها میگن: "وسیله‌ای که توسط اون عادل شمرده شدیم، تعمیده." یادتونه وقتی اینو شروع کردم، گفتم تعمید، فرایند عادل‌شمردگی رو شروع می‌کنه و علت مؤثر یا وسیله‌ای هست که باهاش یک نفر عادل شمرده میشه.

حالا، اجازه بدید یک دقیقه درباره‌ی این ایده‌ی "علت مؤثر" صحبت کنم. یکی از قدیمی‌ترین سؤالات فلسفه، سؤال حرکت و تغییره. شاید یادتون باشه که هراکلیتوس گفت: "شما هرگز دو بار در یک رودخانه قدم نمی‌گذارید، چون وقتی پای دومتون رو بذارید، رودخانه حرکت کرده"، و شما فقط با چند لحظه پیرتر شدن، تغییر کردید. اما او میگه این تغییره. تغییر، نشانه‌ی منحصر به فرد مخلوق و فانی بودنه. و از دیدگاه ارسطو، تغییر یک نوع حرکت بود. پس او این رو بررسی کرد و از خودش پرسید: "آیا راه‌های متفاوتی برای تغییر مسائل هست؟"

یا انواع متفاوتی از تغییرات؟ خُب، وقتی او به دنبال تغییره، میگه به دنبال علت تغییره، و گفت این ساده لوحی هست که فرض کنیم این علت‌ها منحصر به فرد هستند، وقتی از بسیاری لحاظ، تغییر با کاربرد چیزهای متفاوت و متعدد عمل می‌کنه.

او از تصویر کلاسیک یک اثر هنری، یک مجسمه، مجسمه‌ای که در حال ساخته، استفاده کرد تا فرق بین انواع مختلف علت‌ها رو بیان کنه. او می‌گفت علت ثمربخش، علت اصلی که تغییر ایجاد می‌کنه، علت ثمربخش و اصلی برای خلق یک مجسمه، مجسمه سازه.

او کسی هست که انواع تغییرات رو ایجاد می‌کنه، اما علت مادی هم هست و علت مادی برای مجسمه، قطعه چوب یا قطعه سنگ مرمره که مجسمه از اون ساخته میشه، پس او علیت مادی رو به عنوان ماده‌ای تعریف می‌کنه که چیزی با اون ساخته میشه یا تغییر می‌کنه. وقتی درباره‌ی خلقت جهان صحبت می‌کنیم، می‌گیم علت مادی چیه؟ هیچ چیز، چون هیچ چیزی نبود، یا حداقل هیچ ماده‌ای نبود. اما خدا علت ثمربخش و کافی برای تمامی خلقته. وقتی دنیا رو خلق می‌کنه، از جوهره یا ماده‌ای که در گذشته وجود داشت، خلق نمی‌کنه، او "اکس نیهیلو" یا از هیچ، دنیا رو خلق می‌کنه.

اما "علت مادی"، چیزی هست که یک چیز باهاش ساخته میشه؛ علت ثمربخش، کسی هست که اون رو می‌سازه. "علت رسمی"، ایده یا طرح کلی هست که هنرمند استفاده می‌کنه تا موضوعش رو خلق کنه. او فقط اون تکه مرمر رو بدون ایده‌ای در ذهنش که بدون بعد از تموم شدن چه شکلی میشه، نمی‌تراشه.

او باید در ذهنش شکلی برای اون داشته باشه. و بعد "علت نهایی"، هدفی هست که به خاطرش یک چیز ساخته میشه. در این مورد، شاید فقط این باشه که باغ امپراطور رو زیباتر کنه، پس میکل آنژ یک مجسمه درست می کنه تا کلیسا رو زیباتر کنه یا یک چنین چیزی. این علت نهایی اونه.

خُب، "علت مؤثر"، ابزاری هستند که به کار میرن تا تغییر ایجاد کنند و در مورد ساخت مجسمه، علت مؤثر، چکش و قلم هست. چیزهایی که به کار میره و توسط اون تغییر ایجاد میشه، به همین سادگی. پس وقتی روم درباره‌ی تعمیر به عنوان علت مؤثر صحبت می کنه، این طریق یا ابزاری هست که باهاش یک نفر تغییر می کنه و این پذیرش یا القای فیض رو داره. اصلاح گرایان میگن: "نه، تنها علت مؤثر برای عادل شمردگی، ایمانه." تعمیر نیست، توبه نیست، بلکه ایمان، علت مؤثره.

به هر حال، اگرچه پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها، از زبان و اصطلاح تمایزات ارسطو برای علیت استفاده می کنند، هر دو طرف، علت خاص دیگه‌ای رو اضافه کردند که "علت شایسته" عادل شمردگی می نامند، و دوباره ما به اصل مطلب می رسیم. بر چه اساسی، خدا یک نفر رو عادل اعلام می کنه؟ برای روم، به خاطر اینه که اونها عادل هستند.

از منظر اصلاح یافتگان، تنها اساس عادل شمردگی ایماندار، عدالت مسیحه. فقط عدالت مسیح، ما رو عادل می کنه. در واقع، عبارت "عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان" خلاصه‌ی ساده برای "عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی مسیحه". بسیار خُب، پس در آموزه‌ی پروتستان، "سولا فیده" رو دارید، یعنی فقط بوسیله‌ی ایمان، نه بوسیله‌ی ایمان بعلاوه‌ی اعمال. این فقط بوسیله‌ی فیض، "سولا گراتیا" هست، این بوسیله‌ی فیض هست، نه شایستگی، و این فقط بوسیله‌ی مسیحه، نه بوسیله‌ی مسیح بعلاوه‌ی من.

پس در جلسه‌ی بعدی مون، وقتی به مفهوم و اهمیت نوع ایمانی که عادل می کنه، می پردازیم، به کلمه‌ی سوم در فرمول عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان خواهیم پرداخت.